

## نقش تاریخی رودکی در احیای هویت ملی ایرانیان

دکتر فیاض زاهد

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تهران - ایران

کبری فخرآور

کارشناسارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تهران - ایران

### چکیده

هر که نامخت از گذشت روزگار نیز ناموزد زهیچ آموزگار سامانیان، خاندانی ایرانی و یکی از دودمان های فارسی زبان غرب آسیا بودند که بیش از صد سال بر بخشهایی از ایران از جمله ماوراءالنهر، خراسان، مازندران، ری و سیستان و قسمت عمده یی از آسیای مرکزی حکم راندند. آنان با عشق به ترویج فرهنگ آریایی و تعقیب فکر استقلال ادبی، برای احیای تفکر ایرانی به رنسانس فرهنگی دست یازیدند و در پرتو خلق آثاری گرانبها در زمینه های علمی و ادبی، سطح آگاهی عمومی جامعه عهد سامانی به ویژه سرزمین "ماوراءالنهر" را ارتقاء بخشیدند. "بخارا" مرکز سیاسی آل سامان، به عنوان کانون علمی و ادبی در شرق قلمرو اسلامی، جایگاهی شاخص و پایگاهی شامخ یافت.

رودکی حدوداً در اواسط قرن سوم، در قریه بُنج در دو فرسنگی سمرقند متولد شد. وی، چنان ذکی و تیز فهم بود که خیلی زود با کسب درجات ادبی و علمی، با اقبال خلق و رغبت امراء روبرو گشت، سروده های هنرمندانه او در موضوعات عاشقانه و بزمی، طنز و هزل، زهد و اخلاقی، با مضمون های بکر و در قالبی ساده و روان و به دور از تعقید و ابهام، همراه با صوتی دلکش و ساز طرب انگیزش، هر شنونده - یی را به وجد آورده، و هر خواننده خوش فکری را به تأمل و تعقل فرا می خواند، شعر هایش مملو از نشاط روح، غرور ملی، اندیشه های حماسی و آزاد منشی بود، به طوریکه در اثرش به زحمت می توان نماد یأس و سمبل نومیدی را نظاره کرد. عصری که رودکی در آن می - زیسته ثمره سیاسی آن وحدت، عصاره اجتماعی آن امنیت و دستاورد اقتصادی آن تأمین معیشت و چشم انداز فرهنگی آن ارتقای معنویت و شیرازه اصلی آن ترویج زبان فارسی

و تجلی انسانی آن حضور چهره های شاخصی چون جیهانی و بلعمی، ابن سینا و بیرونی، بلخی و رودکی است. در این مجال بر آنیم تا تصویر روشنی از این دوران اثرگذار را به تماشا نشینیم.

**کلید واژگان:** رودکی، هویت ایرانی اسلامی، سامانیان، زبان و ادب فارسی.

### مقدمه

سرزمین پهناور ایران، جولانگاه بسیاری از سلسله ها و جایگاه خیل کثیری از اندیشمندان و فرهیختگانی است که نه تنها در عصر خود، بلکه در ادوار دیگر تاریخ نیز تاثیر شگرفی بر تحولات اجتماعی و سیاسی و ادبی جامعه داشته اند.

دودمان سامانی از جمله سلسله های ایرانی است که به واسطه ی توجه به ادبا و فضلاء، ترقی ادب و اندیشه، قرب و منزلتی در نزد مولفان و کاتبان تحصیل کرده است. از سویی اعتبار این دودمان در وجود بزرگ مردانی بوده که در عرصه ی کیاست و سیاست، از شمشیر به تدبیر روی آورده و با جایگزینی فرهنگ بجای جنگ اهمیت کار خویش را جلوه ای دیگر بخشیده اند.

رودکی از جمله نام آوران هنرنا و خردگرای عصر سامانی است که با ترویج هویت ملی و ارتقاء فرهنگ ایرانی، برای اعتلای ادبی ایران گام برداشت. او اگر چه شاعری نیک پرداز بود ولی صرفا به وادی سخنوری بسنده نکرد و در حکمت و دیگر علوم نیز صاحب امتیاز بود. رودکی ضرورتهای عصر خویش را دریافت و با شناخت عوامل احیای فرهنگ ایرانی، کلامش از نیازها و سبیل های جامعه جوشید و تاثیرافکار و اندیشه اش به دیگران حیات فرهنگی بخشید.

وی با بیان مضامین بزمی و ابیات اخلاقی، امراء و علما را با ارکان مختلف جامعه پیوند داد، بطوریکه، هواخواهانش او را آفریدگار سخن و شاعران هم عصرش او را استاد شعرا نام نهادند. جای شگفتی نیست که بپذیریم نقش رودکی در ترویج و گسترش زبان و ادب پارسی بی-بدیل بود و او با زبان عامیانه و افکار شاعرانه و اندرز حکیمانه اش در صدد بسط و گسترش

فرهنگ و ادب پارسی بود. در این مجال به برخی از بازتابهای آراء و اندیشه های رودکی و اهمیت این نگرش در عصر او پرداخته شده است.

### اهمیت کار رودکی در این دوره ی تاریخی

سامانیان از برجسته ترین سلسله های ایرانی بودند، که به زبان و آداب و روایات ایران علاقه یی وافر داشته، و برای احیای ایرانی گری به تدابیر فرهنگی دست یازیدند (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۸۰) این دودمان، اول خاندانی است که در تشویق علما، شعرا و دانشمندان و ترویج زبان فارسی قدم های وسیعی برداشته، و ادبیات ایران را "در اندک زمانی بسط و توسعه داده، به اوج کمال رسانید." (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۱) عصر سامانی را به جهت کثرت شعرا و ادبا و توجه پادشاهان به آنها می توان از بهترین دوران به شمار آورد. (فروزانفر ۱۳۵۴: ۶۹)

از شاعران نام آور دوره سامانی که پای به عرصه سخنوری نهاده، و شهرتی کسب کرد، رودکی است. (صفا، ۱۳۷۱: ج ۱ / ۳۷)

رودکی شاعر قرن چهارم است. او را استاد شاعران و مقدم شعرای عجم خوانده- اند. در نام و کنیت وی، اقوال مختلفی آمده است. صاحب لباب الالباب نام و نسب او را استاد ابو عبدالله جعفر محمد رودکی ضبط کرده (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۵) و مؤلف چهار مقاله نیز همین کنیه و نام را ثبت نموده است (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۲۷: ۲۸) برخی از منابع از اسمهای دیگر اطلاع میدهند. در تذکره الشعراء ابوالحسن رودکی آمده است (دولت شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۳۶). اما درست ترین گفته همان است که در کتاب الانساب آمده که او را ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم ذکر می کند و آقایان نفیسی و صفا این قول را به علت قدمت صحیح ترمی دانند (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱ / ۱۳۷۱؛ نفیسی، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

در خصوص زمان وفات رودکی مؤلف مجمع الفصحا سال ۳۰۴ را ذکر کرده (هدایت، ۱۲۹۵: ۲۳۷) و صاحب شعرالعجم نیز همین سال را ثبت نموده است (نعمانی، ۱۳۶۳: ۳۷) سمعانی سال ۳۲۹ را بیان کرده، و دانشمندان معاصر ایران سالی را که در کتاب الانساب ذکر شده یعنی ۳۲۹ هجری شمسی را ترجیح می دهند (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۷۷؛ نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۱۷ و ۴۱۶).

در لباب الالباب آمده مولد رودکی در قریه بُنَج از قراء رودک سمرقند بوده. (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۵) مولف الانساب نیز می گوید رودکی از قریه بنج، قطب ناحیه رودک سمرقند

برخاسته، و به این ناحیه (رودک) منسوب بود (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۹۲) در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی آمده: نسبت او یعنی رودکی در انتساب به رودک از توابع سمرقند است. محل تولدش روستای بُنیج رودک سمرقند بوده که در میان مردم بومی به رودک شهرت داشت. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۲۶۰).

عوفی گوید: چنان ذکی و تیز فهم بود که در هشت سالگی قرآن به تمامت حفظ کرد و قرائت بیاموخت و شعر گفتن گرفت و معنی دقیق می گفت، چنان که خلق بر او اقبال نمودند و رغبت او زیادت گشت. (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) جامی در بهارستان و امین احمد رازی در هفت اقلیم و هدایت در مجمع الفصحاء حافظ قرآن بودن وی را تأیید کرده اند و البته هر دو کار از هوشیاری چون رودکی بعید نیست. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۰۶) نگارنده ی کتاب رودکی و زمان او از سخنان عوفی به این نتیجه می رسد که رودکی در کودکی به انشای شعر پرداخته، و در جوانی مهارت بلند شاعری را کسب نموده است. (میرزایف، ۱۹۵۸: ۲۰) در لباب الالباب آمده: "او را آفریدگار تعالی آوازی خوش و صوتی دلکش داده، و به سبب آواز در مطربی افتاد و از ابوالعبیک بختیار که در آن صنعت صاحب اختیار بود بربط بیاموخت و در آن ماهر شد و آوازه به اطراف و اکناف عالم برسد" (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) جامی نیز در بهارستان حسن صوت و آموختن عود و مهارت در موسیقی وی را تأیید کرده است و در تذکره الشعراء آمده: "او را در موسیقی مهارتی عظیم بود و بربط را نیکو نواختی". (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۳۷)

از میان منابع فارسی، کهن ترین منبعی که اشاره به نابینایی رودکی دارد، کتاب لباب الالباب است که مؤلف گوید از مادر نابینا آمده، و در جای دیگر گوید "اکمه بود، اما خاطرش غیرت خورشید و مه بود، بصر نداشت اما بصیرت داشت، مکفونی بود اسرار لطیف به روی مکشوف، محجوبی بود از غایت لطف طبع محبوب، چشم ظاهر بسته داشت اما چشم باطن گشاده". (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۸) جامی نیز می گوید رودکی از مادر نابینا به دنیا آمد. سمعانی و نظامی عروضی و صاحب تاریخ سیستان که هر یک سخنانی درباره ی رودکی گفتند هیچ یک به نابینایی او اشاره ای ندارند ولی شاعران نزدیک به او اشاراتی به کوری او کرده اند. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۷۳). از سخن خود رودکی بر نمی آید که همه ی عمر شاعر، در تاریکی های بی پایان دنیای کوران گذشته باشد نه فقط ادعای دیدن در بعضی از اشعار او هست بلکه تشبیهات حسی در سخنان او کم نیست، خاصه دنیای رنگ که بر کوران مادرزاد فرو بسته است، در شعر او جلوه ای تمام دارد. (زرین کوب،

۲:۲۵۳۵) در اشعار شاعر به اشاراتی برمی خوریم که دلالت بر بینایی او در یک زمان می کند. از این رو باید بپذیریم که او کور مادر زاد نبوده، و در مدتی از عمر خود برخوردار از بینایی و تجربه های حسی مردمان بینا بوده، و سپس کور شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰:۳۳۴) البته عده ای مانند شیخ منینی در شرح تاریخ یمینی بر این عقیده اند که رودکی در پایان عمر نابینا شده، بر چشمش میل کشیده اند (نفیسی و براگینسکی، ۱۶:۱۳۸۵)

در اینکه رودکی از دولت شعر به مقام و شوکت رسیده است جای شک نیست در لباب الالباب آمده: "ثروت و نعمت او به حد کمال رسید و بعد از وی هیچ شاعر را این مکتب نبوده است." (عوفی، ۱۳۳۵:۲۴۶) نظامی عروضی در چهار مقاله و جامی در بهارستان این مطلب را تأیید و تکرار کردند که حشمت و توانگری رودکی در دربار نصر بن احمد به جایی رسیده بود که هنوز شاعری را این همه دولت حاصل نشده است. (نفیسی، ۱۳۸۲:۴۳۰-۴۳۱) اما نکته ی قابل تعمق و تأمل این است که چرا کار رودکی در این عصر، شایان توجه بوده است؟ بادر نظر گرفتن اوضاع خاص تاریخی و اجتماعی آن عصر، می بینیم رودکی در آفرینش هنری خود به این موارد توجه داشته است: تشخیص اولویت ها و ضرورت ها، تنوع و نوآوری، دوراندیشی در افکار و آمال و همچنین انعکاس تفکرات در بستر جامعه.

سراسر خراسان در زمان رودکی، از مرز چین گرفته تا خاک ری و گرگان، کشور سامانیان بود (نفیسی و براگینسکی، ۱۳۸۵:۵۵) اوضاع و احوال خاص تاریخی و ساختار اجتماعی خراسان و ماوراءالنهر در دوره ی سامانی، بر پردازش شعر شعراء تأثیرات شگرفی داشت (غلامرضایی ۱۳۷۷:۹۰) مؤلف "بخارا دستاورد قرون وسطی" می نویسد: در حوزه ی تجاری در این سرزمین به دلیل تجارت گسترده ای که در این عصر صورت می گرفت، سامانیان از وضعیت مالی بسیار مناسبی بهره گرفته، و کاروان تجاری آنان در تمام فرارودان تا اروپای شرقی و چین، فلات مرکزی ایران، سواحل خلیج فارس و دریای عمان و شبه قاره هند در حرکت بود. (فرای، ۱۳۶۵:۲۱۰-۲۱۱) نفیسی نیز از وضعیت مطلوب اقتصادی و امنیت اجتماعی سمرقند سخن می-گوید (نفیسی، ۱۳۸۲:۴۸ و ۴۷). عصر سامانی و روزگار حیات رودکی یکی از پررونق ترین روزگاران در تاریخ ماوراءالنهر و خراسان محسوب می شد. بخشی از این رونق مدیون روابط تجاری ماوراءالنهر و خراسان با چین و نواحی شرقی ایران بود (امامی، ۱۳۷۸:۵۹) وضعیت

مطلوب اقتصادی و بالاخص امنیتی هر دوره برای ظهور و بروز آرایاندیشمندان و صاحب نظران آن عصر می تواند حائز اهمیت باشد و رودکی به عنوان یک اندیشمند از این قاعده مستثنی نبود.

از منظر دودمانی سلسله ی هم عصر رودکی سامانی است . آل سامان اولین خاندانی هستند که با عشق به ترویج فرهنگ آریایی و تعقیب فکر استقلال ادبی ، برای احیای تفکر ایرانی به رنسانس فرهنگی روی آوردند. (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۸۱) شعار اشاعه روح ایرانی، احیاء زبان فارسی و حفظ استقلال ایران را سرلوحه ی اهداف خود قلمداد کردند. (بهار ، ۱۳۷۳، ج ۱، ۲۶۳) اگر سامانیان به جهانبانی نمی رسیدند ایران و ایرانی چنان در تمدن و زبان تازی مستهلک می شد که امروز چون مصر و شمال آفریقا و سوریه و عراق، جزو قلمرو زبان و تمدن عرب به شمار می- رفت (بیات ، ۱۳۵۳: ۲۶۰) وجه تمایز این سلسله نسبت به خاندان های حکومتی ایران در قرون سوم و چهارم هجری در خاستگاه اجتماعی آنان است که با اتصال به ایران باستان در صدد حفظ و نگاهداری آداب و رسوم ملی برآمدند . سامانیان با انتساب خود به ساسانیان می کوشیدند تا تجسمی از شکوهمندی سلسله های کهن را در پندار ها زنده کنند (امامی ، ۱۳۷۸: ۷) اشپولر در مقایسه این سلسله با سلسله های دیگر می نویسد : برای اولین بار عامل مجد و مروج معنویت و روح ایرانی که بر مرکز فرهنگ ایرانی یعنی خراسان حکومت می کردند سامانیان بودند (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۱/۱۴۲) علماء و فضلاء در ایام دولت اسماعیل سامانی معزز و محترم بودند (میرخواند ، ۱۳۳۹، ج ۴/۳۲) مولف احسن التقاسیم امیران سامانی را خوش رفتارترین و با فرهنگ ترین شاهان می- داند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۹۴) تمدن و فرهنگ ایران بی نهایت مدیون ایشان است هنوز هم باید عمل و رفتار سامانیان را به عنوان مشوق علم و هنر مد نظر داشت (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۱، ۴۲۵) به بیانی دیگر می توان دوران امارت سامانیان را یکی از برجسته ترین و کم نظیر ترین دوره های تاریخ و تمدن ایران ، پس از اسلام دانست (ناجی، ۱۳۸۶: ۲۶) در منابع مربوط به دوره سامانی سه طبقه دبیران ، ادیبان و علما به وضوح قابل تشخیص است (فرای، ۱۳۸۱: ۱۲۹) توجه خاص به این افراد بستر مناسبی را در دربار ، برای رقابت این سلسله با حکومت های محلی دیگر و همچنین سبقت این گروه ها در درون جامعه فراهم آورد . وجود چنین بستری عرصه را برای خلق آثاری بکر و افکار ماندگار مهیا کرده، و شرایط ایجاد شده برای اشخاصی که قدرت مانور بیشتری داشتند فرصت طلایی محسوب می شد و رودکی از این مجال به بهترین شکل بهره گرفت.

از این که در روزگار رودکی عرصه‌ی هنر نمایی و خرد گرایی باز بوده، و شعر پارسی رونق و رواج گرفت تردیدی وجود ندارد. چنانچه در لباب الالباب آمده: "چون نوبت دولت آل سامان درآمد، رایت سخن بالا گرفت و شعرای بزرگ پیدا آمدند و بساط فضایل را بسط کردند و عالم نظم را نظامی دادند". (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۰۰) بی تردید این استاد شاعران خراسان برای معاصران و شاعران پس از روزگار خود شخصیتی خرد گرا داشته است. (امامی، ۱۳۷۸: ۹۶) برجستگی کار رودکی در بین خیل عظیم بزرگان آن دوره در این بود که او ضرورت های عصر خویش را تشخیص داد و در جهت شناخت و ارضاء آن گام برداشت. لازار می نویسد اسلاف رودکی هنوز موفق نشده بودند که توجه محافل ادبی را به آثار خود جلب کنند و آنها را به عنوان ادب راستین بقبولانند. اما پس از رودکی این مقبولیت تحقق یافته بود. (لازار، ۱۳۸۵: ۵۳۰) به عبارتی رودکی و روزگار او هر دو دربر دارنده‌ی استعدادهای خلاقه و مستعد بودند. مؤلف کتاب "رودکی روزگار و آثار او" می نویسد: رودکی سال های متمادی درحیات دربار فعالانه شرکت کرده، و دارای نیروی خلاقیت بود. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۳۸) او توانست با درک شرایط آن زمان و فهم خواسته های امراء و وزراء و مردم آن عصر، توانمندی خود را درجهت نیل به اهداف هماهنگ کند به طوری که میرزایف می نویسد رودکی خود را در شاعری با سرآمدانی چون جریر و طائی و حسان و صریح الغوانی و دیگران مقایسه می کند و فصاحت خویش را همسنگ سبحان بن وائل می-نهد. (میرزا یف، ۱۹۵۸: ۴۸۴).

رودکی با نزدیکی به دربار سامانی به محفل انس و الفت آنان راه یافته، و با تقرب به دربار هم با رغبت امرا و مردم روبه رو شده، و از مساعدت آنان بهره جست و هم در تعامل با علما بارقه‌ی علمی خود را محک زد چنانکه در لباب الالباب آمده رودکی در نزد نصر بن احمد سامانی منزلتی خاص داشته ولی احتمالاً پیش از وی احمد بن اسماعیل را نیز درک کرده است (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۵) و در جای دیگر این کتاب آمده امیر نصر بن احمد سامانی که امیر خراسان بود رودکی را به قربت حضرت خود مخصوص گردانید و کارش بالا گرفت (همان، ۲۴۶) فرای می-نویسد: شاید برجسته ترین گروه اهل ادب دربار نصر، شعرای پارسی گوی و بالاخص رودکی بود (فرای، ۱۳۸۱: ۱۲۵). آقای نفیسی می گوید همه‌ی مولفان متفقند که رودکی شاعر و ندیم معاصر نصر بن احمد سامانی بوده، و نام رودکی و نام نصر بن احمد سامانی همیشه قرین یکدیگر است (نفیسی، ۱۳۸۲: ۳۱۳) در تاریخ بیهقی آمده که بلعمی با رودکی روابط دوستی داشته، و نسبت به

وی از بذل هرگونه مساعدت خودداری نکرده است (بیهقی، ۱۳۷۱:۱۲۶) حضور حکما و شعرا و فرزندان در دربار سامانی تنها محدود به گرفتن انعام و خلعت از امیران سامانی نبوده است بلکه بسیاری از این افراد در ارکان سیاسی و اداری آن دولت به کار گرفته می شدند و چنانکه ثعالبی مینویسد: در دوره سامانی بخارا مجمع عظمت و محل اجتماع مردان روزگار و مطلع ستارگان ادب در روی زمین و اقامتگاه فضلالی روزگار بود (ثعالبی، ۳۶۶:ق: ۱۰۳) شهرهای مرکزی بخارا و سمرقند در این زمان میدان پرجوش و جاذب بحث و مناظره بودند. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶:۱۱۸) در دربار سامانی شاعران و دانشمندان و فرهیختگان زمان از جمله ابو عبدالله محمد بن احمد الجیهانی وزیر و ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی دانشمند حضور داشتند. (گردیزی ۱۳۶۳:۲۵) بلعمی وزیر که در پیشرفت فرهنگی و ادبی خراسان و ماوراءالنهر نقش مهمی داشت، به نظر می رسد هم او بود که رودکی را به بخارا دعوت کرده است. (عوفی، ۱۳۳۵:۲۴۶) بزرگترین دلیل دانش پروری و هنر دوستی ابوالفضل بلعمی آن است که با ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی بنیاد گذار شعر پارسی و بزرگترین سراینده ی سده ی چهارم ایران روابط دوستی داشته، و درباره ی او دهش های شاهانه کرده است (نفیسی ۱۳۸۲:۳۴۵) بوطیب مصعبی وزیر نصر بن احمد، ممدوح رودکی است و بیهقی، بوطیب مصعبی و ابوالفضل بلعمی را در کنار هم می ستاید و می نویسد « هر دو یگانه ی روزگار بودند در همه ادوات فضل » (بیهقی ۱۳۷۱:۱۲۷) در عصری که رودکی در آن می زیست نمایندگان جریانهای گوناگون ایدئولوژیهای مختلف برای تأکید درستی اعتقاد خود مناظره های سخت می نمودند. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶:۱۱۸) به عبارتی سرزمین ماوراءالنهر را در این دوره باید یکی از مراکز برجسته فرهنگ و تمدن در تاریخ ایران شمرد. (لسترنج، ۱۳۶۷:۴۶۱) یکباره راه یافتن شاعران و دانشمندان به دربار سامانی، بدون دانش زیاد در آنجایی که دانشمندان و فرهیختگان زمان جمع آمده بودند محال بود. وقتی که رودکی را به بخارا دعوت کردند، او شاعری ورزیده بود. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶:۲۵) در بیان رودکی به اندیشه های حکیمانه برمی خوریم و به همین جهت است که پیشینیان نام او را حکیم رودکی نوشته اند. (نفیسی، ۱۳۸۲:۴۰۹) در تذکره الشعرا در خصوص معلومات و آگاهی رودکی آمده: " او را در فنون و علوم فضایل و قوف است و از اقسام شعر قصاید و مثنوی را نیکو می گوید ". (دولت شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۳۷) هدایت در مجمع الفصحاء گوید: " (وی کسب کمالات نموده چنانکه در پیش و دانش شهره و از هر علوم با بهره آمد) ". نفیسی به نقل از کتاب الانساب می گوید: " رودکی



قبل از آنکه به بخارا برود در جوانی برای کسب دانش به سمرقند رفته، و در آنجا حدیث را از اسماعیل بن محمد بن اسلم قاضی از محدثان بزرگ زمان خود فرا گرفته، و از اینجا پیداست که رودکی با علم حدیث آشنایی داشته است". (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۱۰) بعضی تعبیر مناسب با مضامین آیات و احادیث در شعر رودکی، گویای آشنایی او با مضامین قرآن و حدیث است (امامی، ۱۳۷۸: ۹۸). مورد دیگر از دانش رودکی آگاهی او در ادب عرب است و در آثارش نشانه هایی از اخذ مشابهات شعری با گویندگان عرب مشاهده می شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۳۳۳) احتمال آشنایی مستقیم رودکی با شعر و ادب عرب بعید نمی نماید خصوصا آنکه بعضی از سراینندگان این عصر، خود به زبان عربی شعر می سروده اند. (دبیر سیاقی، ۱۳۷۰: ۹) رودکی زبان عربی را خوب می دانست و آموختن چنین چیزی فقط در مدارس شهرهای بزرگ ممکن بود (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۲۵) او همچنین تاریخ، جغرافیا و علم الانساب و تاریخ ایران باستان تا اسلام را خوب می دانسته است. رودکی در بیتی "زند" را "تفسیر اوستا" می نامد که در آثار هیچ شاعر دیگر فارس به نظر نمی رسد و این فقط از تحقیقات دانشمندان اروپایی معلوم گردید (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۳۷، ۴۳۵) باید گفت رودکی تا اندازه ای با فلسفه یونانی به خصوص با فلسفه نو افلاطونی که در شرق مسلمان گسترش داشت آشنایی داشته است. (میرزایف، ۱۹۵۸: ۳۷) از آثار رودکی بر می آید که او به مسایل نجوم و فلسفه یونان آگاهی داشته است (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۲۵) برخی از اشارات شاعر به پندارهای نجومی روزگار وی حکایت از اطلاع او در نجوم متعارف روزگار است. (امامی، ۱۳۷۸: ۹۷) آثار رودکی و منابع گواهی می دهند که او شخصی دانشمند و نوازنده ی بسیار ماهری بوده، زبان عربی، اساطیر مردمان ایرانی، علوم طبیعی، نجوم و فلسفه را خیلی خوب می دانسته است. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۲۷) نفیسی می نویسد رودکی در مذاهب و حکم نیز مطلع بوده است. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۰۷).

نکته غیر قابل اغماض اینکه هدف حکمای بزرگی چون رودکی از راهیابی به دربار و قرابت نزد امرای سامانی، صرفا بیان ابیات، کسب محبوبیت و دریافت انعام نبوده، بلکه هدف ایجاد تطابق و ارتباط فکری بین دربار و جامعه و همچنین امراء و عامه مردم بوده و اذهان عمومی را به دربار توجه داده، و افکار دربار را به نیازهای متن جامعه کشاند و این اتصال در مضامین ابیاتش کاملا هویداست. وی در این ارتباط دانش حقیقی سودمند به مردم، حکمت روزگار، عدالت و بشر دوستی را ترغیب می کرد. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۴۵) سروده های هنرمندانه او در موضوعات

بزمی، حماسی و اخلاقی با مضمون های بکر و در قالبی روان و به دور از ابهام، همراه با صوتی دلکش و ساز طرب انگیزش، هر شنونده ای را به وجد آورده، هر خواننده ی خوش فکری را به تأمل و تعقل فرا می خواند. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۳) در عالم شعر، هر شاعری که در تشبیه زبر دست تر باشد جهانگیر تر است، اما تشبیهی که به موضوع و عصری محدود نشده، و شاعری پیش از او این تشبیه را نیاورده باشد. رودکی به توانایی طبع وقاد خویش به آسانی چنین کرد. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۶۳) رودکی نماینده کامل و تمام عیار شعر عصر سامانی است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۳۳۰) چرا که ابیاتش مملو از نشاط روح، غرور ملی، اندیشه های حماسی و آزاد منشی بوده به طوریکه در اثرش به زحمت می توان نماد یأس و سمبل نو میدی را نظاره کرد. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۳) سروده هایش هر خاطر حزین را به نشاط آورده، و در دل پیر و جوان کارگر افتد. (نفیسی ۱۳۸۲: ۴۶۴) این تعلقات و تفکرات همان طلبی بود که می توانست خلاء آن عصر تاریخی را پوشش داده، و سه محور آرمانی ایران باستان یعنی عشق، باده و موسیقی را از ساسانیان برگرفته، و به سامانیان پیوند دهد. نفیسی می نویسد عشق و باده و موسیقی سه ملازمند که هر یک بی دو لازمه ی دیگر، ضایع است. خمریات رودکی را در میان شعرای ایران باید در درجه اول لطف و رقت قرار داد. (همان: ۴۶۲) آشنایی رودکی با موسیقی نکته ی مشهوری است. قدیمی ترین منابعی که به این نکته اشاره دارد چهار مقاله و لباب الالباب است. (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۳۳؛ عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) در ایران به ویژه در قرن چهارم و پنجم متداول بوده است که شاعر بزرگ به کسی اطلاق می شد که هم بتواند خوب شعر سراید و هم خوب ساز بنوازد و هم آواز دلکش داشته باشد. (نفیسی، ۱۳۸۵: ۱۹) آواز و موسیقی اسباب طرب و شادی ایران باستان عصر ساسانی بوده که در ایران بعد از اسلام در دوره سامانی به آن توجه زیادی شد و در حقیقت نوعی دلبستگی جامعه به ایران پیش از اسلام را تداعیمی کرد. رودکی با شناخت این نیاز به ندای عصر خود پاسخ گفت. نگارنده کتاب رودکی روزگار و آثار او، نوازندگی او را هنر نمایی نزد هواداران موسیقی، جهت قانع ساختن نیاز زیبا شناختی مردم ذکر می کند. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۲۹) به احتمال قوی رودکی برای رسیدن به استادی در موسیقی، سالها به آموختن آن پرداخت بدین منوال دوره معین حیات رودکی بیرون از دربار در بین مردم گذشت و در این دوره مهارت شاعری و نوازندگی او، ویژگیهای جهان بینی او نیز شکل گرفت. (میرزایف، ۱۹۵۸: ۱۰۱) وی با بیان مضامین بزمی امرا را با نقل ابیات اخلاقی، علما را با تداعی اشعار حماسی، همگان را به عرصه بزم، عزم و

رزم فراخوانده، و با انبساط خاطر ترویج ملیت را مایه نشاط جامعه تشخیص داده، و به آن پرداخت. در آثار رودکی آهنگهای اخلاقی جای مهمی را اشغال کرده، و به قول خود شاعر هدف اصلی او دادن پند است و هواخواهانش او را آفریدگار پند و اندرزهای حکیمانه می دانند. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۷۹) افکار و آثارش برگرفته از گروه خاص و برخاسته از طبقه ویژه نیست. شاعری که امثال زبان و زمان خویش را نیکوتر داند در دل های مردم دیار خویش بیشتر ره یابد، چرا که امثال در هر زبان به مقوله ی نمک در طعام است. رودکی را در دانستن امثال زبان پارسی مقامی است که کمتر کسی بدان حد رسید. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۶۵) به گفته مسعودی اشتراک زبان عامل مهمی در حفظ همبستگی ملی، تثبیت سلطه واحد سیاسی و حفظ تمامیت ارضی سامانیان بود. (مسعودی، ۱۳۶۵: ۷۸) و لذا در آثار رودکی از لحاظ شکل و مضمون انواع اساسی شعر کلاسیک، تاجیک و فارسی رشد پیدا کرده اند. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۷۹) بنابراین وی در میان شاعران ایران زمین در صدر قرار گرفت و مؤلف تذکره الشعراء مقام رودکی را در صدر طبقه ی نخست شعرا ضبط کرده است (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۳۶)

امرای عصر رودکی از ابتدا در نظر داشتند که داستان اسلاف و نیاکان خود را به نظم در آورده و در دسترس عام بگذارند. (صفا، ۱۳۵۶: ۶۸) لازار نیز می نویسد امرای سامانی تمایل به ترویج و تشویق ادبیات ملی داشتند و در مشرق ایران طبقه دست نخورده ی دهقانان، سرسپرده خاطرات و یادگارهای ایران باستان بودند (لازار، ۱۳۸۵: ۵۲۲) حضور مضامین اساطیری در ادبیات عصر سامانی مدیون رواج اندیشه های ملی و التفات به پشتوانه فرهنگ باستانی بوده است. این التفات مقدمات فراهم آمدن آثار حماسی - داستانی را فراهم کرده، و بنیاد این گرایش به جز نیاز نبوده است. نیازی که یکی از محققان آن را نیاز حماسی زمان می نامد. (اسلامی ندوشن ۱۳۵۵: ۱۶۷) لذا برخی از اشعار رودکی این باب را گشود. طاهر جانوف به نقل از ایران شناس گرجی "کوئید-زه" می نویسد: "رودکی در نظم حماسه ی قهرمانی ایران نیز سهم خود را گذاشت و در ذکر حماسه ی قهرمانان ایرانی همچون سام، رستم دستان و ... به نظر می رسد، رودکی بایست از افسانه های مردمی یا منابع پهلوی استفاده کرده باشد" (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۶۶) در هر حال جلوه های اساطیری و باستانی در آثار رودکی بیشتر از سایر سرایندگان آن دوره مورد بحث است و بیشتر از دیگران با سرچشمه های فرهنگی ایران پیش از اسلام در ارتباط بود و این ارتباط به چیزی عمیق تر از آگاه بودن نسبت به داستان ها و اسطوره ها و رواج آن میان مردم آن عصر را

نشان می دهد. (امامی، ۱۳۷۸: ۵۲) لذا عصر سامانی بدون هیچ شبهه ای مهم ترین دوره ی حماسه سرایی در ایران است و وجود رودکی یکی از عناصر موثر در اثر حماسی فردوسی محسوب می-شود؛ به عبارتی، سنگ بنیاد عظمت و مفاخر ملی عجم، یعنی شاهنامه در دوره سامانی گذاشته شده. (صفا، ۱۳۳۳: ۱۴۷-۱۴۸) و آفرین نامه ی ایوشکوربلیخی نمادی از شاکله فکری رودکی است

از نظر قدمت در شاعری سمعانی در الانساب آورده رودکی مقدم بر همگنان عصر خود بوده، و نخستین کسی که به فارسی شعر گفته او بوده است. صاحب تذکره هفت اقلیم و مولف تاریخ گزیده صاحب تذکره آتشکده می نویسد: "اول شاعری که بعد از اسلام در عجم صاحب دیوان و شعر بود رودکی بود. (نفیسی براگینسکی، ۱۳۸۵: ۲۲) اگر چه پیش از او افرادی چون ابوالعباس مروزی و ابوحفص حکیم سغدی سمرقندی و... اشعار گفته بودند ولی سروده های رودکی از سایرین ممتاز بوده، و به بسیاری از مسائل فرهنگی ایران باستان اشاره کرده است. (اداره چی گیلانی، ۱۳۷۰: ۲۰۵) در صور خیال او نشانه های فرهنگ زردشتی به خوبی محسوس است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰، ۳۳۱) یا بهتر بگوییم در آثارش عناصر ایرانی قدیم بیش از عناصر اسلامی و عربی است که یادآور گفتار نیک و پندار نیک و کردار نیک است. (اداره چی گیلانی، ۱۳۷۰: ۲۰۵) بیان موضوعاتی با این شاکله فکری برای توازن افکار عصر سامانی یک ضرورت اجتناب ناپذیر بوده که رودکی به خوبی آنرا دریافته، و شعویان خردمند نیز این اشعار را ضامن بقای فرهنگ و ادب و حافظ اساطیر و حماسه های کهن و حراست از هویت قومی و نژادیمی دانستند. ادامه قوت شعوبیه در روزگار سامانی زمینه را برای نوعی استقلال فرهنگی و علمی فراهم ساخت. (امامی، ۱۳۷۸، ۷) سامانیان ظاهراً به نهضت شعوبیه حسن توجه داشتند رودکی هم مثل جیهانی و بلعمی تمایلات شعوبی داشت ولی شعوبیگری رودکی به وطن دوستی، محبت به خلق و وطن خود، زبان، فرهنگ و سنتهای ادبی خلق محدود می شود. (میرزایف، ۱۹۵۸: ۸۵)

در عصر رودکی با عدم اقبال اهل سواد متوسط به فراگیری زبان عربی و همچنین ضرورت پاسخگویی به تقاضای کسانی که طالب نشر آثار علمی و ادبی به زبان فارسی بودند تألیفات و ترجمه های زیادی انجام شد و رودکی در عهد امیر نصر به فرمان بلعمی کتاب کلیله و دمنه را به رشته نظم در آورد و اهمیت این اثر به حدی بوده که مؤلف تاریخ بیهقی او را جامع ادوات فضل

می شمارد. (بیهقی، ۱۳۷۱: ۱۲۶) رودکی داستان سندبادنامه یا بعضی از حکایات و قصص آن را نظم کرده، و برخی در آثارش به آفتاب نامه هم اشاره دارند. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۵۳)

از امتیازات برجسته رودکی کثرت و تنوع آثار و نوآوری بسیار آن است. عوفی می-گوید اشعار رودکی عبارت از صد دفتر است. (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) در تاریخ گزیده به اشعار بی شمار رودکی اشاره شده است. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۷۳۲) در خصوص تنوع، مضامین معارف و حکم، امثال، مناظر طبیعی، تشبیهات، خمریات، تغزلات، مهاجرات، مدایح و... در آثارش به چشم می خورد. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۴۱) درباره نوآوری می توان گفت قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و قطعه توسط رودکی در شعر فارسی شکل گرفت. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۷۹) نگارنده سبک شناسی شعر پارسی می نویسد: "نخستین کسی که ساختن قصاید کامل و تمام را با تشبیب و مدح و دعا معمول کرد رودکی بود و دیگران درین باب همه تابع او شمرده می شوند. (غلامرضایی ۱۳۷۷، ۱۰۲-۱۰۳) رباعی از مخترعات اوست، تصرف او در عروض هم مسلم است. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۰۸) در حقیقت رودکی مبتکر برخی از سبک های شعر است.

در کل عصر رودکی که با عهد سامانی عجین شد عصر تحول فرهنگی و ادبی به شمار می-رود، و در این دوره تألیفات و آثار متنوعی تدوین شد، اما صاحبان آثاری شهره شده، و شاهد تاریخی عهد خود شدند که اساس سیاست حکومت عصرشان را درک کرده، و نیازها و ضرورت های زمانه خویش را تشخیص دادند. بسیاری از سروده های رودکی تأثیر باورهای متعارف اهل زمان اوست. (امامی، ۱۳۷۸: ۶۵) لطافت و متانت و انسجام خاص در سخنان رودکی مشاهده می-شود که مایه ی تأثیر کلام در خواننده و شنونده است. (ناجی، ۱۳۸۱: ۶۹۲) رودکی بی شک از مردم عادی برآمده، و الهام خود را از خلق گرفته، و به این طریق شاعری مردمی محسوب می-شود. (طاهر جانوف، ۱۳۸۶: ۱۷۷) حتی کسانی که به زبان تازی سخن منظوم و مثنوی گفته اند ذکر رودکی را در جایی که فراخور گفتار ایشان بوده است فراموش نکرده، و همواره از جلالت قدر و علو مقام وی ذکری کرده اند. مؤلفین و مورخین هم، به زبان تازی از علو مقام رودکی سخن گفتند. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۰۸-۵۰۹) نگارنده کتاب استاد شاعران رودکی نیز از تأثیر پذیری و تأثیر گذاری مضاعف سخن وی صحبت کرده است. (امامی، ۱۳۷۸: ۴۹) این استاد فرهیخته در پیوند آرمان ملی ایران باستان با اهداف ایران پس از اسلام ارتباطی موزون ایجاد کرد. وی سستهای ایرانی را که با حکمت عملی آن، برای ایرانیان شکل مکمل حکمت انسانی محسوب می شد ترویج

می‌داد. (طاهر جانوف ، ۱۳۸۶: ۱۴۶) در آن شرایط بهره برداری از امنیت موجود جامعه در جهت ارتقای فرهنگ و حرکت در راستای تعامل امرا و خلفای عباسی اصل تلقی شد و این کاروان سالار میدان بلاغت پارسی راهی را که بزرگان آن روز در بازگشت آزادی کشور با شمشیر انجام دادند، به نیروی زبان پیمودن گرفت. (ریاضی، ۱۳۳۶: ۶۶-۷۱) رودکی علاوه بر صحنه نهادن به اصول مذکور و برخورداری از امتیاز کثرت اشعار، اهمیت آثار، سبقت در گفتار و اولویت در کردار از قدرت الهام افکار مردم و سنتهای ادبی ایران نیز بهره مند بود. (طاهر جانوف ، ۱۳۸۶: ۱۷۹) او دریافت ترویج معنویت روح ایرانی بدون جان یافتن دوباره سنت های فرهنگی کهن و استواری پایه های استقلال ایران میسر نخواهد بود.

اینک سرزمینی که رودکی در آن می زیسته است قسمتی از آن جزو جمهوری ازبکستان و قسمت دیگری از آن جزو جمهوری تاجیکستان است و قسمت کوچکی از آن نیز در خاک افغانستان جای گرفته، و زبان فارسی در این جمهوری ها، زبان شناخته و رایجی است. (نقیسی و براگینسکی ۱۳۸۵: ۵۷) وی اگر چه فرزند زمانه ی خود بود اما بدون تردید فراتر از زمان و مکان خود اندیشید، افکارش نه صرفاً در زمان حیاتش ، بلکه پس از او نیز رهگشا و تأثیرگذار بوده، و آثارش دست مایه ی الهام آیندگان شد ، این رمز بقای مردان بزرگ در طول تاریخ بوده است .

هیچ گنجی نیست از فرهنگ به تاتوانی رو تو و این گنج نه  
(دیوان رودکی، ۶۶)

#### نتیجه

رودکی شاعر قرون سه و چهار که او را پدر شعر فارسی و سلطان شعرا و بی بدیل درعرب و بی نظیر در عجمش می خواندند بیشتر عمرش را در بخارا سپری کرد. به خاطر طریقت در روشنگری و لطافت در شعر و سلاست در بیان، توانست گوی سبقت را از هم عصران خویش برآید و از مقربین محضر نصر بن احمد شود. به طوریکه این امیر او را به قربت حضرت خود مخصوص گردانید و در بین وزراء نیز رودکی، در نزد بلعمی از مقام شایسته و شامخی برخوردار بود. این امیر و وزیر کراً از ممدوحان شاخص او محسوب می شدند. البته ابوجعفر احمد معروف به بانویه از امرای صفاری و ماکان بن کاکلی نیز از ممدوحان این شاعر صاحب نام بودند. او اولین

شاعریست که بعد از اسلام، در عجم صاحب دیوان شعر شد اگر چه قبل از او شاعرانی اشعار سروده اند، اما شعر رودکی به جهت قدمت و فصاحت از سایرین ممتاز است.

از مهمترین آثار رودکی، ترجمه "کلیله و دمنه" که به فرمان ابوالفضل محمد بلعمی و در عهد امیر نصر صورت گرفته است. اهمیت این اثر در حدی بوده که بیهقی او را جامع ادوات فضل می شمارد. البته مثنوی های دیگر و شعرهایش در قالب قصیده و قطعه، غزل و رباعی، در موضوعات مختلف مدحی و غنایی، هجو و وعظ، هزل و رثاء و ... از دیگر آثار اوست. در مجموع عصر رودکی که با عهد سامانی عجین گشته عصر تحول فرهنگی و ادبی به شمار می رود و ترجمه و تألیفات متنوع ادبی و مذهبی ماحصل این دوره است که نمونه های آن ترجمه کتب فلاسفه یونان توسط "ابو نصر فارابی" ( معلم ثانی ) و " تفسیر طبری " و " جامعه البیان فی التفسیر قرآن " و " تاریخ الرسل و الملوک " و " سند بادنامه " و تألیف " حدود العالم من المشرق الی المغرب " و " کتاب عجایب البر والبحر و " کشف المحجوب " شایسته ی ذکرند.

عصر سامانی بدون هیچ شبهه ای مهمترین دوره حماسه سرایی در ایران و وجود رودکی یکی از عناصر مؤثر در اثر حماسی فردوسی محسوب می شود. به عبارتی سنگ بنیاد عظمت و مفاخر ملی عجم، یعنی شاهنامه در دوره ی سامانی گذاشته شده و آفرین نامه ابوشکور بلخی نمادی از شاکله فکری رودکی است.

قدیمی ترین مأخذ اشعار رودکی گذشته از آنچه شعرای متأخر، مانند فرخی و معزی تضمین کرده اند، کتاب " تاریخ بیهقی " است که چهار قطعه از این شاعر در آنجا ضبط شده، همچنین کتاب " لغت فرس "، که مقداری از ابیات متفرقه قصائد و کلیله و دمنه رودکی در آنجا مضبوط آمده و بعد کتاب " چهار مقاله " که یک قطعه و یک حکایت ناتمام از رودکی نقل کرده و " کتاب لباب الالباب " محمد عوفی و در " کتاب تاریخ سیستان " از او ابیات متفرق به ما رسیده و کتاب " تذکره " رازی و " بهارستان " جامی که در آن ابیاتی را به رودکی نسبت می دهند. رودکی که تقریباً ۲۹ سال معاصر با امیر نصر بوده، و هم در شعر و آواز، و هم در موسیقی و رزانت شهره عصر خویش محسوب می شد، با عزل ابوالفضل بلعمی از وزارت، به خاطر تقرب افزونش به وزیر معزول، از چشم درباریان آل سامان افتاده، او که در سایه ی شاعری و تقریبش به دربار، به ثروت و مکنت فراوان دست یافته بود، در اواخر عمر از درگاه سامانی منزوی شده، از اعتبار ثروت و

سلامت کم بهره گشته، به تنگدستی و عسرت دچار شد بطوریکه برخی، حتی کوری او را مادرزادی نپنداشته، و آنرا پیامد تحولات سیاسی درگاه امیر سامانی، پس از عزل بلعمیوزیر می دانند. زندگی و حیات رودکی آینه یی تمام نما از فرهنگ و هنر عصر سامانی ساسانی است. سامانیان به عنوان یکی از حکومت‌های همروزگار عصر عباسی هر چند دلبسته دستگاه خلافت بودند، ولی به میراث ملی ایرانیان سرسپردگی فرهنگی و ادبی داشتند. آنها بستر و زمینه لازم را برای رشد شعرا، ادبا، مورخان، فیلسوفان و فقهای برجسته عصر خویش فراهم ساختند. در نتیجه آرامشی که در این دوران پدید آمد، میراث ایرانی در دل دولتهای محلی راه یافت و رشد و گسترش فرهنگ بومی، زمینه های ماندگاری زبان و ادب فارسی را رقم زد.

رودکی در ۳۲۹ ه. ق دقیقاً همزمان با مرگ ابوالفضل بلعمی، در ناحیت پنج رود از توابع شهر پنجکنت در کشور ازبکستان کنونی رخت از جهان فرو بست و در زادگاهش آرام گرفت.

ابله و فرزانه را فرجام، خاک جایگاه هردو اندر یک مغاک

### منابع و مأخذ:

- ۱- اداره چی گیلانی، احمد (۱۳۷۰)، شاعران هم عصر رودکی، تهران، انتشارات موقوفات افشار.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۵۵)، یادنامه دقیقی، تهران انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۳- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- امامی، نصرالله، (۱۳۸۷) ستاد شاعران رودکی، تهران، انتشارات جامی.
- ۵- بهار، محمد تقی (۱۳۷۳)، سبک شناسی ج ۱، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۶- بیات، عزیز الله (۱۳۵۳)، چگونگی تشکیل دولت سامانیان، مجله بررسی های تاریخی سال نهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۵۰.
- ۷- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسن (۱۳۷۱)، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- ۸- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۳۶۶)، یتیمه الدهرفی محاسن اهل العصر ج ۴، به کوشش محمد محی-الدین، عبدالمجید، قاهره، بی نا.
- ۹- دبیر سیاقی، محمد (۱۳۷۰)، پیشاهنگان شعر فارسی، تهران، انتشارات کتابهای حیبی.



- ۱۰- ریاضی ، غلامرضا(۱۳۳۶) ، دانشوران خراسان ، مشهد ، بی نا.
- ۱۱- زرین کوب ، عبدالحسین(۲۵۳۵) ، با کاروان حله ، تهران ، انتشارات جاویدان .
- ۱۲- سمرقندی ، دولتشاه(۱۳۳۷) ، تذکره الشعراء ، تصحیح محمد عباسی ، بی جا ، انتشارات باران .
- ۱۳- سمعانی ، ابی سعد عبدالکریم(۱۳۸۲ق) ، الانساب ، تصحیح شیخ عبدالرحمن بن یحیی ، حیدرآباد ، بی نا .
- ۱۴- شفیعی کدکنی ، محمد رضا(۱۳۵۰) ، صور خیال در شعر فارسی ، تهران ، انتشارات نیل .
- ۱۵- صفا ، ذبیح الله(۱۳۵۶) ، خلاصه تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران ، تهران ، انتشارات امیر-کبیر.
- ۱۶- \_\_\_\_\_(۱۳۷۱) ، تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ، تهران ، انتشارات فردوس.
- ۱۷- \_\_\_\_\_(۱۳۳۳) ، حماسه سرایی در ایران ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۸- طاهر جانوف ، عبدالرحمان(۱۳۸۶) ، رودکی روزگار و آثار ، ترجمه دکتر میرزا ملا احمد ، تهران ، انتشارات امیر کبیر .
- ۱۹- عوفی ، محمد(۱۳۳۵) ، لباب الالباب ، تصحیح سعید نفیسی ، بی جا ، انتشارات ابن سینا
- ۲۰- غلامرضایی ، محمد(۱۳۷۷) ، سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو ، تهران ، انتشارات جامی .
- ۲۱- فرای ، ریچارد . ن(۱۳۶۵) ، بخارا دستاورد قرون وسطی ، ترجمه محمود محمودی ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۲۲- \_\_\_\_\_(۱۳۸۱) ، از فروپاشی ساسانیان تا برآمدن سلجوقیان ، ترجمه حسن انوشه ، تهران ، انتشارات امیر کبیر .
- ۲۳- فروزانفر ، بدیع الزمان(۱۳۵۴) ، تاریخ ادبیات ایران ، تهران ، انتشارات دهخدا .
- ۲۴- گردیزی ، عبدالحسین(۱۳۶۳) ، تاریخ گردیزی ، تصحیح عبدالحی حبیبی ، تهران ، انتشارات دنیای کتاب .
- ۲۵- لازار ، ژیلبر(۱۳۸۵) ، ظهور زبان فارسی نوین ، تاریخ ایران کمبریج ج ۴ ، ترجمه حسن انوشه ، تهران ، انتشارات امیر کبیر .
- ۲۶- لسترنج (۱۳۶۷) ، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ، ترجمه محمود عرفان ، تهران ، انتشارات فرهنگی و علمی .

- ۲۷- مسعودی ، علی بن حسین (۱۳۶۵) ، التنبيه و الاشراف ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۲۸- مستوفی قزوینی ، حمد الله (۱۳۶۴) ، تاریخ گزیده ، به اهتمام عبدالحسین نوایی ، تهران ، انتشارات امیر-کبیر .
- ۲۹- مقدسی ، محمد (۱۳۶۱) ، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ، ترجمه علی نقی منزوی ، تهران ، انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران .
- ۳۰- میر خواند ، امیر محمد بن سید برهان الدین (۱۳۳۹) ، تاریخ روضه الصفاء ج ۴ ، تهران ، انتشارات خیام.
- ۳۱- میرزایف ، عبدالغنی (۱۹۵۸) ، ابو عبدالله رودکی و آثار منظوم ، استالین آباد ، بی نا.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۹۵۸) ، رودکی و زمان او ، استالین آباد ، بی نا.
- ۳۳- ناجی ، محمد رضا (۱۳۸۶) ، فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
- ۳۴- نعمانی ، شبلی (۱۳۶۳) ، شعر العجم ، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی ، تهران ، انتشارات دنیای کتاب .
- ۳۵- نظامی عروضی سمرقندی ، احمد (۱۳۲۷) ، چهار مقاله ، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی ، بی-جا ، انتشارات اشراقی .
- ۳۶- نفیسی ، سعید (۱۳۸۲) ، محیط زندگی و شرح احوال و اشعار رودکی ، تهران ، انتشارات اهورا .
- ۳۷- نفیسی ، سعید و براگینسکی (۱۳۸۵) ، دیوان رودکی سمرقندی ، تهران ، انتشارات نگاه .
- ۳۸- هدایت ، رضا قلی خان (۱۲۹۵) ، مجمع الفصحاء ج ۱ ، تصحیح میرزا محمد صادق ( روشن ) ، تهران ، بی نا .